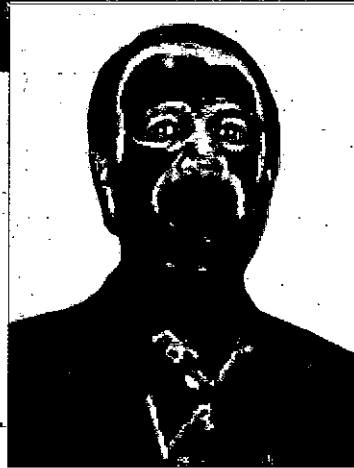


ایران می خواهد فشار سیاسی
را کاهش دهد و آمریکا
می خواهد مقامات رسمی و
اجرایی ایران در عراق را در
کنترل سیاسی خود نگهدارد



طرف ایرانی نمی تواند به
آمریکا اطمینان داشته باشد و
انتظارات آمریکا را آن گونه که
سفیر آمریکا اعلام کرده یعنی
اقدامات ملموس برآورده کند

گفت و گوی ایران و آمریکا حداقل در موضوع عراق راه به جایی نخواهد برد

دو زاویه

سیدمحمدحسین ملانک

مذاکرات سفرای ایران و آمریکا در عراق در ۷ خرداد ۱۳۸۶ از دو زاویه قابل تأمل است:

نخست اینکه بالاخره نمایندگان رسمی ایران و آمریکا، اگر چه با حضور طرف سوم (نخست وزیر عراق)، بعد از ۲۵ سال قطع رابطه سیاسی توانستند با یکدیگر مذاکره مستقیمی داشته باشند. البته مذاکره با آمریکا به صورت غیررسمی در چندین مورد بعد از انقلاب صورت گرفته است، از جمله تماس های ایران و آمریکا در ماجرای مک فارلین یا حتی تماس های قبل از جنگ اول خلیج فارس و حمله آمریکا برای آزادسازی کویت و موارد دیگر، اما خصوصیت این تماس آخری رسمی بودن تماس و بیان انتظارات دو طرف در مذاکرات و مصاحبه های بعد از مذاکره است.

دوم آنکه از این مذاکره (مذاکرات) در چارچوب موضوعات اعلام شده نتایج مشخصی به دست نخواهد آمد. ایران و آمریکا هر دو با اهداف مشخصی وارد این گفت و گو شده اند که از هیچ نظر امکان جمع شدن ندارند. هدف آمریکا از این مذاکره تشخیص دقیق تر نفوذ ایران در عراق و برآورد امکانات عملی ایران در کنترل نیروهای شیعه و معارضی است که آمریکا آن ها را مرتبط با ایران می داند. آمریکا علاقه مند است بداند حوزه بسته نجف و شخص آیت الله سیستانی تا چه مقدار برای رهبری

روحانی ایران باز و قابل تأثیر گذاری است. هدف ایران، اما، خارج شدن از زیر فشار تبلیغاتی آمریکاست. از آغاز سال ۲۰۰۷ دولت آمریکا خلاف توصیه گزارش معروف بیکر - هامیلتون که آن کشور را به مذاکره با همسایگان عراق، منجمه ایران، توصیه می کرد ناگهان فشار تبلیغاتی و عملیاتی زیادی بر ایران وارد کرد. دستگیری دبیر دوم سفارت ایران در بغداد توسط نیروهای وزارت کشور عراق، که زیر نظر آمریکا عمل می کنند، و قبل از آن یورش خشونت آمیز و رسمی نظامیان آمریکایی به سرکنسولگری ایران در اربیل و دستگیری پنج کارمند دفتری این کنسولگری و سپس طرح موضوع کمک نظامی ایران به مبارزان عراقی، که منجر به کشته و زخمی شدن سربازان آمریکایی و انگلیسی شده است، در مجامع رسمی همگی حاکی از آن بود که دولت آمریکا برنامه برخورد از نوع خشن را برای ایران تدارک دیده است. دولت ایران اگر چه تلاش کرد که با حفظ مقررات تشریفاتی و یادداشت کتبی آمریکا موقعیت دیپلماتیک برتری برای آغاز مذاکره داشته باشد، اما حضور در این مذاکره به مفهوم پذیرش موقعیت غیرعادی ناشی از اتهامات و برخوردهای آمریکاست.

ایران می خواهد فشار سیاسی را کاهش دهد و آمریکا

می خواهد مقامات رسمی و اجرایی ایران در عراق را در کنترل سیاسی خود نگهدارد و برای آن ها برنامه کاری تنظیم کند.

ایران اگر چه پشت میز مذاکره نشسته است اما دو تجربه کاملاً منفی و ناموفق را در مذاکرات قبلی خود با آمریکا یعنی بوسنی و افغانستان در پرورده دارد. در بوسنی آمریکا در پایان فعالیت های سیاسی ایران و کمک به مسلمانان، که جبهه وسیع تر ضد صربستان و روسیه را در جهان گشود و منجر به انزوای صربستان گردید، تلاش گسترده ای را برای قطع حضور ایران در آن منطقه آغاز کرد که با ناباوری بسیاری از سیاستمداران ایرانی مواجه شد. در مسئله افغانستان نیز آمریکا بعد از استفاده از ایران در سرنگونی طالبان کشورمان را در محور شرارت قرار داد و مستوجب فشار و تحریم و حتی تهاجم نظامی و نابودی دانست.

بنابراین طرف ایرانی نمی تواند به آمریکا اطمینان داشته باشد و انتظارات آمریکا را آن گونه که آقای گراکر "سفیر آمریکا اعلام کرده یعنی اقدامات ملموس برآورده کند. بر این اساس، گفت و گوی ایران و آمریکا حداقل در موضوع عراق راه به جایی نخواهد برد و اگر شرایط و امواج اتهامات به طرفین را افزایش ندهد در همین حد فعلی نگر خواهد داشت. ●